



میلاد النبی ﷺ رضی اللہ عنہما  
\* ترجمہ: مُحَمَّدٌ بَاقِرَادِہِی \*  
\* \* \*

عنوان کتاب: آخرین نماز پیامبر

مؤلف: سید مرتضی عسکری

مترجم: محمدباقر ادیبی لاریجانی

ناشر: واژه پرداز اندیشه

طراح جلد: محمد عباسزاده

نوبت چاپ: اول-۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۷-۹۸-۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

۷۵۱۳

سرشناسه: العسکری، سید مرتضی، ۱۲۸۸-۱۳۸۶. • Alaskari, Morteza, 1909-2007

عنوان فارسی: «علاقه‌ای بکر»

عنوان و نام پدیدآور: آخرین نماز پیامبر/مؤلف: سید مرتضی عسکری؛ ترجمه محمدباقر ادیبی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات واژه‌پرداز اندیشه، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۸۴ص. • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۷-۹۸-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۰-۸۴.

موضوع: ابوبکر، عبدالله بن ابی قحافه، ۵۱ قبل از هجرت-۱۳ق.

موضوع: Abubakr, Abdollah ibn Abi Ghohafih

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت-۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- \*Proof of caliphate

موضوع: احادیث شیعه • Hadith (Shiites) -- Texts

خلافت • Caliphate

امامت -- Apologetic works • امامت دفاعیه‌ها

شناسه افزوده: ادیبی لاریجانی، محمدباقر، ۱۳۵۱-، مترجم

رده بندی کنگره: BP۲۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۴۶۲ • شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۵۸۱۱۷ • اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

تاریخ درخواست: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ • کد پیگیری: ۹۱۵۷۸۸۰

# فهرست

مقدمه مترجم ۹

حجّة الوداع ۱۰

چرا پیامبر ﷺ بر حضور صحابه در سپاه، تأکید داشت؟ ۱۲

رفتن پیامبر ﷺ به قبرستان بقیع ۱۳

دو بار عرضه شدن قرآن توسط جبرئیل ۱۴

درخواست غایبه از دیگر زنان پیامبر ﷺ برای پرستاری از ایشان ۱۴

وصیتی که هرگز نوشته نشد ۱۵

تأملی در سخن عمر ۱۵

نشسته نماز خواندن پیامبر ﷺ ۱۶

علت نشسته خواندن نماز ۱۷

پیامبر ﷺ علی را می طلبد ۱۹

زمان و روز وفات پیامبر ﷺ ۲۰

عمر، وفات پیامبر ﷺ را انکار می کند ۲۰

پرسشی درباره سخن عمر ۲۱

توجیه غلط ۲۲

رها کردن پیکر پیامبر ﷺ ۲۳

تجهیز و تغسیل بدن پیامبر خدا ﷺ ۲۴

در سقیفه، چه گذشت؟ ۲۵



آخرین نماز پیامبر ﷺ ۳۹

♦ مقدمه بحث ۳۹

♦ ایام بیماری پیامبر ﷺ ۳۹

♦ پرستاری از پیامبر ﷺ در خانه عایشه ۴۰

♦ نقد و بررسی این احادیث ۴۰

♦ دستور پیامبر ﷺ بر امامت یافتن ابوبکر ۴۱

♦ امامت یافتن ابوبکر در ایام بیماری پیامبر ۴۳

♦ نقد این حدیث ۴۴

♦ شدت یافتن بیماری پیامبر ﷺ در روزهای پایانی ۴۵

♦ دل‌نازکی ابوبکر در نماز ۴۶

♦ تأملی در این حدیث ۴۷

♦ جلوگیری پیامبر ﷺ از امامت یافتن عمر ۴۷

♦ دستور پیامبر ﷺ بر امامت یافتن ابوبکر ۴۸

♦ نقد و بررسی این حدیث ۵۰

♦ نماز خواندن پیامبر ﷺ پشت سر ابوبکر ۵۰

♦ شادمانی پیامبر ﷺ از امامت ابوبکر ۵۱

♦ تأملی در این حدیث ۵۱

♦ دلیل خلافت ابوبکر، امامت یافتن اوست ۵۲

♦ امامت ابوبکر در روایات مکتب خلفا ۵۴

♦ نقد و بررسی این احادیث ۵۵

♦ کلام انصار بعد از وفات پیامبر ﷺ ۵۷

♦ نقد و بررسی این حدیث ۵۷

## ﴿ مقدمه مترجم ﴾

جزیره العرب، همواره در طول تاریخ، شاهد حوادث بسیاری بوده که با پیدایش اسلام و مطرح شدن مسائل دینی توسط پیامبر عظیم الشان اسلام، صفحه تاریخ عرب قبل از اسلام، تغییر ماهوی یافت و به تاریخ اسلام، تبدیل گردید. رفتارهای نامناسب فردی و اجتماعی و شیوه‌های غلط زندگانی و همچنین، اعتقادات و خرافات عرب جاهلی، نشانگر فرهنگ و تمدن جامعه آن روز عرب است؛ مردمانی که مفاهیم اخلاقی را به غلط، تفسیر می‌کردند و مثلاً غیرت را در زنده به گور کردن دخترانشان می‌دیدند و هر کسی که در این کار، قساوت بیشتری نشان می‌داد، غیرتمندتر جلوه می‌کرد و یا شجاعت را در چپاول و غارتگری و قتل و خون‌ریزی ترسیم می‌کردند، به حدی که وقتی یکی از آن‌ها، اوصاف بهشت را از زبان پیامبر خدا ﷺ می‌شنود، می‌پرسد: آیا در بهشت هم جنگ هست؟ و وقتی پاسخ منفی ایشان را می‌شنود، می‌گوید: پس بهشت، به چه درد می‌خورد؟!

داستان زید بن حارثه، وضعیت عرب جاهلی را می‌نمایاند. زید بن حارثه، در کودکی به همراه مادرش برای دیدار با اقوام خود، به قبیله دیگری رفته بودند که غارتگران، به آن‌ها حمله کردند و او که نتوانست فرار کند، اسیر شد و در بازار عکاظ، به فروش رفت. کارگزار خدیجه رضی الله عنها او را خرید و خدیجه، او را به پیامبر ﷺ بخشید. آن حضرت نیز آزادش کرد و پس از آن که حاضر نشد پیامبر ﷺ را رها کرده، با پدر و عمویش به قبیله خود باز گردد، پیامبر خدا در کنار کعبه و در حضور مردم، اعلان کرد که زید، پسرخوانده اوست.

بسیاری از این مردم، پس از ظهور اسلام، دگرگون شدند، مکه و مدینه، مرکز نور شد و بدان جا رسیدند که آن جوان انصاری، در جنگ بدر به حضور

پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! پاداش کسی که با این قوم بجنگد و کشته شود، چیست؟

فرمود: «بهشت».

گفت: به، به! فاصلهٔ میان من و بهشت، همین خرماهایی است که مشغول خوردنشان هستم.

آن‌ها را به دور انداخت و جنگید تا شهید شد.

آری! در آن جا، جنگیدن برای رضای خدا و سعادت اخروی بود؛ اما جاه طلبان و هواپرستان که منافع مادی و دنیوی خویش را با رشد روزافزون اسلام در خطر می‌دیدند، به هر وسیله، می‌کوشیدند تا این شریعت آسمانی را از بین ببرند. لذا ابتدا کوشیدند با تطمیع، از دعوت پیامبر ﷺ و پیشرفت دین او جلوگیری کنند، سپس به ارباب و تهدید، روی آوردند، تا بلکه بتوانند پیامبر خدا را از تبلیغ رسالت خویش، باز بدارند؛ ولی پیامبر اکرم، در مقابل تمام این سختی‌ها و تهدیدها، ایستادگی کرد و با طاغوت و طاغوتیان، به مبارزه پرداخت و به پیروزی دست یافت.

دنیاخواهان هم، که تمام توطئه‌های خود را نافرجام می‌دیدند، چاره‌ای جز سر تسلیم فرود آوردن در مقابل شریعت آسمانی اسلام ندیدند؛ اما پس از تشکیل نظام اسلامی، همواره به دنبال فرصت مناسبی برای انتقام و براندازی بودند؛ ولی پیامبر خدا برای دفع این گونه خطرها، چاره‌اندیشی کرده بود و با استعانت از حق تعالی و با سرپنجهٔ تدبیر خود، فتنه‌های دشمنان اسلام را ناکام می‌گذاشت.

### \* حَجَّةُ الْوُدَّاع

در ماه‌های پایانی سال دهم هجری، به مردم اعلان شد که پیامبر ﷺ به حج می‌رود و آنان نیز باید در این مراسم، شرکت کنند.<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ در روز بیست و

۱. ر. ک: نقش ائمه در احیای دین، ج ۱، ص ۱۲۰ (جزء شانزدهم).

۲. ر. ک: السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۴۸؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۳؛ الإرشاد، ص ۸؛ الکامل، ج ۲، ص ۱۷۰.

چهارم یا بیست و پنجم ذی قعدة،<sup>۱</sup> از مدینه، ره‌سپار مکه شد. جمعیت بسیار انبوهی از مردم، حضرت را در این سفر، همراهی نمودند.<sup>۲</sup>

هدف اصلی پیامبر ﷺ در این سفر، علنی و عمومی کردن منصب وصایت و خلافت، برای حضرت امیر علیه السلام بوده است.

با فرارسیدن ماه محرم، سال یازدهم هجری، آغاز شد. در روزهای پایانی ماه محرم، پیامبر خدا ﷺ دستور آماده‌باش عمومی برای جنگ با سپاه روم را صادر فرمود و فرماندهی این سپاه را به أسامة بن زید بن حارثه<sup>۳</sup> داد.<sup>۴</sup>

پیامبر ﷺ شخصاً پرچم جنگ را برای أسامة بست و به او، چنین دستور داد: «به سرزمینی که پدرت در آن کشته شد، برو و به نام خدا و در راه خدا، با آنان بجنگ.»

پیامبر خدا، برای حاضر شدن مهاجران و انصار در این سپاه، تأکید فراوانی داشت و حتی کسانی را که از شرکت جستن در سپاه أسامة، سرپیچی کنند، نفرین فرمود.<sup>۵</sup>

بسیاری از موزخان<sup>۶</sup> گفته‌اند که افرادی همچون ابوبکر، عمر بن خطاب،

۱. علت تردید در تاریخ حرکت، این است که موزخان می‌گویند: پنج سال از ماه ذی قعدة، باقی مانده بود که پیامبر ﷺ از مدینه خارج شد. حال اگر ماه ذی قعدة در سال، ۲۹ روز بوده باشد، روز حرکت، بیست و چهارم ماه بوده است و اگر ماه، سی روز باشد، بیست و پنجم ماه، بوده است.

۲. تعداد افرادی را که در این سفر، پیامبر ﷺ را همراهی می‌کردند، از هفتاد هزار تا یکصد و چهل هزار نفر گفته‌اند (ر.ک: الغدیر، ج ۱، ص ۹).

۳. پدر أسامة، زید بن حارثه، شراحیل کلیبی، غلام آزاد شدهٔ پیامبر ﷺ و مادرش أم ایمن، کنیز آزاد شده و خدمتکار پیامبر ﷺ بود (ر.ک: رجال الطوسی، ص ۳؛ عبد الله بن سبأ، سید مرتضی عسکری، ج ۱، ص ۸۳).

۴. السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۹۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۵. الإرشاد، ص ۸۵.

۶. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۶۶؛ کحل البصر، شیخ عباس قمی، ص ۱۲۲.

۷. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۸. همان، ص ۱۹۰؛ الجمل، شیخ مفید، ص ۹۷؛ الکامل، ج ۲، ص ۱۸۲؛ إمتاع الأسماع، ج ۱۴، ص ۵۱۷.

عثمان، ابو عبیده بن جراح، سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و قتادة بن نعمان، در این جمع بوده‌اند. کسانی هم در سپاه بودند که به فرمانده شدن آسامه، خُرده می‌گرفتند و می‌گفتند که: چرا پیامبر ﷺ نوجوانی آزاد شده را بر بزرگان صحابه، امیری و فرماندهی داده است؟<sup>۱</sup>

هنگامی که این سخنان و طعنه‌ها به گوش پیامبر ﷺ رسید، با وجود بیماری، در حالی که از شدت درد، پارچه‌ای بر سر خود بسته بود، از خانه خارج شد و بر منبر نشست و فرمود:

لَنْ طَعَنَتْهُ عَلَيْهِ فَقَبْلَهُ طَعَنَتْهُ عَلَى أُبْيِهِ وَإِنْ كَانَ لَخَلِيقَيْنِ  
بِالإِمَارَةِ.<sup>۲</sup>

اگر اکنون بر فرماندهی آسامه خُرده می‌گیرید، پیش از این نیز بر پدرش خُرده می‌گرفتید، با این‌که هر دو، برای فرماندهی، شایستگی داشته‌اند.

ایشان، چندین بار تأکید فرمود که: «لشکر آسامه را حرکت دهید».<sup>۳</sup>  
لشکریان اسلام، با پیامبر خدا ﷺ وداع نمودند و در یک فرسخی مدینه، در جُرف، اردو زدند.

\* چرا پیامبر ﷺ بر حضور صحابه در سپاه، تأکید داشت؟  
تأکید پیامبر ﷺ بر تشکیل سپاه و حضور تمامی مهاجران و انصار، جز امیر مؤمنان علیه السلام، معلول عللی بوده است:  
الف) دور کردن عاملان توطئه از مدینه

۱. السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۰؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۴؛ الکامل، ج ۲، ص ۱۸۲. طبری و ابن اثیر، در کتاب تاریخشان بیان نموده‌اند که برخی از منافقان به فرماندهی آسامه، خُرده گرفتند، این، جای بسی تأمل دارد که این منافقان، چه کسانی بوده‌اند. در الکامل، این عبارت، این‌گونه آمده است: «فتکلم المنافقون فی إمارته؛ منافقان، درباره فرمانده شدن او (آسامه)، سخن گفتند».

۲. السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۰.

۳. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدا ابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۵۰۹.

۴. البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۵۹.